

مصارف لشکر کشی روس که برای قبولاندن مطالب خود به ایرانیان تحمل زحمت نموده . اگر چه در فقره اول آن شروط به رضایت و علی الظاهر به تصویب ما بوده ، ولی شرط دوم ثابت میکند حقانیت ما را در امریکه با روس در آن شرکت نموده ایم . بر حوصلگی ما در سکوت از مطالبات تقدی روس منسوب بظفر مندی است . در هنگامیکه با چشمهای خود مان میدیدیم که جیب های آن ملنچی را خالی میکند صورت خود را بر گردانیده و او را بعنف و جبراً از خود دور ساخته و در تضییع حقوقش بامید حفظ شرافت و سیادت خود شرکت نمودیم .

آراء عمومی اعضای حکومتی را که باسم او کار میکنند اجازه نمیدهد که مسلکی اختیار نمایند که هم بسیار پست و سخیف و هم مثل این اقداماتشان ضعیف میباشد . سرادوار دگری ابداً اعتنائی بخواهش و اظهارات هموطنان خود ندارد . اکنون هم مسلک او را میتوان تغییر داده ، احساس خطر هر یکی از افراد قاعده دان ملت انگلیس را از عروج بر این مسلک میتوان حمل بر احساسات خردمندانه نمود . این مطلب بدرجه مسلم است که محتاج شرح و بیان نیست که اینگونه مطالبات انگلیس و روس مستلزم تقض شاهنشاهی ایران و با یکدیگر آمیخته است . شرط عزل مستر شوستر باین مناسبت که در [تمس] از حملات جسورانه جراید روسی فقط دفاع شخصی نموده امری نیست که هر ملت شرف دوستی آن را حمل بر اراده مداخله نماید و آخر کار در جواب آن احتمال جنگ برود . شرط اول چندان دارای اهمیت نیست ، و میتوان قومی را بلشکر کشی یا تهدید لشکر کشی ظالمانه بقبول خواهشهای دولت ، متذکر ری مجبور نمود و ایشانهم

استقلال خود شان را حفظ نمایند منتهی باز احتمال تجدید آن مظالم  
 میرود . ولی شرط دوم مداخله اجانب را معمول و تا ابد الدهر  
 جاری میگرداند . حالت ایران بدبختانه طوری واقع شده است که  
 باید اجانب را برای نظم افوج مسلحه و وصول مالیات خود مستخدم  
 گرداند ، و غیر ازین صورت نمیتواند امیدوار به اصلاحات سریعۀ موثره  
 خود باشد ، و بی هیچ شرطی ممکن نخواهد بود که بتواند اصرافان بازار  
 های اجانب استعراض نماید . استقلال رأی و قوت آزادی مسترشوستر  
 ضمانت کافی بود برای اطمینان صرافان ، در صورتیکه ایران مستقل و خود  
 مختار بود میتوانست ازدول بیطرف و بیغرض معاونت خواسته آزدیش  
 را تا ابد الدهر برقرار بدارد .

این شرط نو ظهور که از طرف سرادواری و روسها بدولت  
 ایران تحمیل شده ، نتیجه اش اینستکه ماهرین خارجه ایران را مجبوراً  
 مأمورین خود شان ساختند . انتخاب ملازمین انگلیسی یا روسی برای ایشان  
 فرقی نخواهد کرد . بلکه مقصود شان اینست اشخاصی را برای استخدام  
 در ایران نامزد نمایند که آلت اجرای مسلك خود شان باشند ، و از  
 کسانی حمایت و استظهار نمایند که ایران مجبور بقبول خواهش هایشان  
 بشود ، چنانکه مسلك حکومت ما در مصر نیز بهمین طریق است .  
 اگرچه مأمورین ما فقط رأی داده و در امور داخلی بی هیچ قسم مداخله  
 نمیکند ، ولی دولت مصر در اجراء آن مجبور است . اگر این شرط  
 هیچ اثری نکند اقلاناً تقض کاملی از شاهنشاهی ایران کرده ، و حقیقتاً  
 منجر بحکمرانی رأی دو حکومتی می شود که بمراتب سخت تر و شدید  
 تر از حکومت یکانه ما در مصر خواهد بود .

از سنه ۱۹۰۷ پانیک خود را باین درجه رسانیده و نفوذ دادیم .

ما خودداری نمیتوانیم نمود از ذکر شمه از مضمون مراسله که وزیر مختار ما به آن دولت خوف زده نوشته و از مقصد و مفاد عهدنامه انگلیس و روس توضیح نموده بود . غرض آن مراسله مطمئن ساختن ایرانیان بود از نتایج آن معاهده که نه منجر بمداخله خواهد شد و نه منتهی به تقسیم مملکت . مفاد مراسله مزبوره این بود که سرادوار دگری و مسیو ایسوالسکی متفقند بر اینکه « هیچ یک از دولتین متعاهدین در امور ایران مداخله نخواهند نمود مگر در صورتیکه خطر و نقصانی بمال و جان رعایایشان برسد . » اگرچه اصول مساک هیچ دولتی واضح تر از این نمیشود ولی از اول تا به آخر ایمائی هم بطرف این مطلب نمودند که چنین موقع و بهانه بجهت مداخله شان رسیده باشد . ما ابداً رعایتی از این مطلب نمی نمائیم که مستر شوستر در انتخاب مأمور و معاونین انگلیسی ، یا در اداره وصول مالیات از اعیان و اکابر مملکت ، یا در نوشتن مکتوب به [مس] بحق رفته باشد یا بظلم ، ولی این مسئله را نمیتوان انکار نمود که مشارالیه اقدام بامری نکرد که نتیجه آن خسارت جانی و مالی رعایای روس باشد . اگرچه نمیتوان گفت که ما نگهبان برادر خود نیستیم ، و در حقیقت مداخلات روس را تصویب نموده ایم ، ولی اگر نمکین از مطالبات او هم بنمائیم گویا مسئولیتی که در آن معاهده بر حسب تعبیر خود به ذمه گرفته تقض نموده ایم . مراسله مزبوره به اینجا منتهی میشود که دولتین می خواهند « آزادی و استقلال آن مملکت را ضمانت نمایند . » بعد از آن چنین مندرج است که « نه برای اینستکه در صدد بهانه جوئی بجهت مداخله باشند ، بلکه مقصود شان از این معاملات دوستانه است که از مداخلات یکدیگر که به بهانه محافظت حقوق و منافع خود میکنند جلوگیری نمایند . » اگر این جمله مفادی داشته باشد جز این

معنی نمیتوان تصور نمود که مقصود فهمانیدن بایرانیان است که غرض اصلی از این معاهده حقیقۀ اتحادیست بجهت محافظت ایران که هر یکی از متعاهدتین مانع از مداخلات بیجای دیگری بشود . امروز ما عهد خود را شکسته و پایمال مرتکب ظلم خواهیم شد ، و دوسمهم بر خلاف عهد و میثاق خود از هر گونه مداخله مضایقه ندارد . ما مشارالیه را نه فقط اجازت میدهیم در آن اقدامات ، بلکه افعال نا پسند او را تصویب مینمائیم . ابتداءً تعهد نمودیم که « ایران برای اید الله از خطر مداخلات اجنبیه محفوظ و آزاد باشد . » و نیز برای اینکه « بتواند امور داخلی خود را موافق دخواه خود منظم گرداند . » ولی چهار سال بعد اصرار میکنیم در استخدام و نامزد گردانیدن اجانب در آن مملکت تا امور آن کشور را بر وفق میل و مرضی ما منظم گردانند . غلبه سرادواردگری بر آراء عمومی در این مدت مدید میشود خدمتش ، بعقیده خود مان بواسطه شخصانیت مشارالیه است نه برای لیاقت و کفایتش . هیچکس تهمت زیرکی و خردمندی و مهارت و فوق العاده عالم بودن هم بمشارالیه نزده است ، بلکه ملت انگلیس به استقلال رأی و مال اندیشی و احترام شخصی او اعتماد نموده . این بیوفائی ( مکر ) آخری نسبت بایران هرگز نمیتواند مظهر همچو شخصانیتی واقع شود .

هیچکاد نمیتوان تصور نمود که آن حرکات شنیع چاره پذیر نیست از جوابات پریشان و مختصر وزارت خارجه میتوان استنباط نمود که خیالاتس راحت نیست ، و همچنین از جواب ارد مودلی به لرد کرزن با تغییر لهجه که هنوز هم آوازش از نس شنیده میشود . امیدواریم در تاریکی ( سرّاً ) مشغول اصلاح باشد . اگر این امر ( یعنی تقسیم

ایران ( صورت پذیرد ، نتایجش کشف و بدترین صدمه اش قصاص به اخلاق و شرف ما در مشرق خواهد بود . تاکنون هیچکس تصور نکرده است که ما عمداً به بی شرفی خود تن در داده باشیم . علی الظاهر مثل ما مثل شریک ضعیفی است که نتواند از اقدامات ناپسند شریک قوی و بدنیت خود جلو گیری نماید . معنی این حرکات بار سنگین فوق الطاقه است که سربار گرفتارهای ما شده و از این رو باعث خوشنودی سرّی دویکه طالب قرعه لشکری میباشد خواهد شد ، و حدود هندوستان را تبدیل و امتداد به ریگستانها بروسط ایران داده و تصادف سواران هندی را با قزاقان روس حتمی الوقوع خواهد گردانید ، آنهم در سرحدی موهوم غیر محفوظی . در این معاهده مناقشات محتمله سختی با روس مستتر است که دیباچه جیبونی ما خواهد بود . ثبات ایران منطقه بیطرف بشمار است ، و قسمت بزرگی از بنادر خلیج در آن واقع است ، با این حال اگر روس در طهران حکمران شود حکومت این حصه بلا مالک باقی خواهد بود ؟ از تمام نتایج خطرناکی که در این کار پوشیده است ، شاید سخت تر این باشد که آلمان نیز خواهش معاوضه معمولی بنماید . روس در [ پونسدام ] آزادی و اختیارات کامله برای خود خریداری نموده است .

ولی ما تاکنون باج معمولی خود را اداء ننموده ایم ، مناقشه [ آسیای ] بعید شاید در هر آن مبدل بمناقشه اروپا گردد ، در این صورت عثمانی را که همسایه مجاور ایرانست و همچنین مصر را در شرکت و مداخلات بسیار راغب خواهیم یافت . ایرانیان فی الواقع ناچارند از اظهار تنفر از شرکت ما در این امر که باعث خفه گردانیدن حیات ملی شان هنگام تولدش شده است ، چنانچه دوات دیگر هم اگر با ما اینگونه رفتار و ما را

پریشان کرده بود اقدامات او را حمل بر غیرت و حمیت نمی نمودیم .  
 نظر باینکه هر سلطنتی مجبور به تادیبه ناوان است در عوض توهین بملت  
 دیگر ، ممکنست . مدهانت با روس ما را نیز مصادات با چنین روزی بنماید .  
 سرادوار دگری هنوز هم میتواند از این مخاطرات مسلسل خود را نجات  
 دهد ، مثلاً میتواند پروتست سخنی برخلاف التیهاتوم روس بکند ، و  
 میتواند خواهش اخراج ( نه فقط قشون تازه ) بلکه تمام افواج ساخوی  
 روس را از تبریز و سایر نقاط ایران بنماید ، آنهم در تاریخ معینی .  
 ایشان میتوانند اظهار نمایند که این لشکر کشی مخالف با روح تمام مواد  
 آن معاهده است ، بلکه فقط حرف اظهار همچو اراده ولویکی از وسایل  
 مخفیة دیپلوماتی هم باشد ظن غالب اینستکه بی نتیجه نخواهد ماند . اگر  
 این تدبیر هم مؤثر واقع نشود پس وقت آنستکه از فرانسه چیزی در  
 عوض هدیه که در سلطنت شمالی افریقا بدیشان تقدیم نموده مطالبه نمایم .  
 روس از خوف برودت بازار صرافان پاریس و لندن که مبادا درهای  
 خزاینشان را بروی وی به بندند طاقت زندگی نخواهد داشت ، وسایل  
 رهائی از این قنطره خطرناک باقی و کلیدش در دست سرادوار دگری میباشد ،  
 بشرط اینکه اقلأ بقدر نصف این سستی سخت گیر باشد . نسبت بشریک  
 منقلب خود ، چنانکه آن شریک باحریف ساده دل و متدین خود رفتار  
 نموده است . از درج يك مقاله در [ تمس ] لندن و مقاله دیگر به تأیید  
 آن در [ تامپس ] پاریس شاید بخوبی بتواند از پیش قدمی روس جلوگیری  
 نماید . ما که اینگونه تدابیر را همیشه برای بدام آوردن و گرفتار  
 کردن مورها ( یعنی دول ضعیف ) بکار میبرویم پس چه ضرر دارد بجهت  
 آزادی ایرانیان بکار بیاندازیم

فهرست غلطنامه

صفحه	مطابق	غلط	صحیح
۱۶	۱۷	مثلاً	مثل
۱۶	۱۸	محترمی در خدمت	محترمی که در خدمت
۲۰	۲۰	همچو	همچو
۲۱	۲۱	شوند	شود
۱۸	۲۱	هفدهم شوال	هفدهم ذی‌عده
۲۰	۳	استبداد	استبداد
»	»	بلوی	بلوا
»	۵	آن تصرفات	و آن تصرفات
»	۶	برای اینکه	بر اینکه
۲۲	۸	مسیو نوز	مسیو نوز را
۲۳	۱۴	و بلوی	و بلوا نموده
۲۵	۱۵	سابقه	صادقانه
۲۶	۲۱	حمل و نقل	و حمل و نقل
»	۲۳	خاخ	کاخک
۲۷	۱	تقاطع	تلاقی
»	۹	حمل و نقل	و حمل و نقل
»	۱۱	فازیک	گزک
۲۹	۹	حتی	خصوصاً
۲۹	۱۸	بعبارت	بعبارت
۳۰	۲۳	ممانعت نماید	ممانعت نماید این عهدنامه
			انعتاد یافت
۳۱	۱	چنین	از چنین
»	۹	انکلیس ها را	روس ها را
۳۱	۲۲	هدیج طریقه	به هدیج طریقه
۳۲	۶	ازین بعد	ازین به بعد

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۲	۱۳	نی خواهند	می خواهند
۳۳	۵	بی مه‌بازنه	بی محابازنه
»	۱۰	همچه	همچو
»	۱۷	آراذل	اراذل
۳۷	۱۸	مسجد را	مجلس را
۴۱	۲۳	پرستیان	پرستیانیان
۵۱	۷	و انکلیس	زیادی است
۵۲	۵	در دو ماه مه	در ماه مه
»	»	جمادی الاول	جمادی الاولى
۵۶	۳	پسر عمومی	پسر عمومی
۶۰	۱۰	هانین تم	هونین تم
۷۲	۱۵	امور خانه	امور خانگی
۷۲	۱۵	امرر مهین	امور شخص مهین
۷۳	۱۰	کایکاتوری	کاریکانوری
۸۳	۵	ایرنیاں	ایرانیدان
»	۱۷	دیپلوماسها	دیپلوماها
»	۱۹	با روح	با روح
۸۴	۲	محازی	محاذی
»	۶	نمود و رقاصی	نموده و رقاصی
۸۷	۴	با تربیب	با تربیت
۸۸	۲۱	قصبه	زیادی است
۸۹	۱۳	با هل	به نیل
۹۰	۲۰	میکردند	میکرد
۹۲ که اشتباهها	۲	اصطلاحات	اصلاحات
۹۸ چاپ شد			

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۹۶	۳	من میتوانم	من میتوانم
۹۸	۲	صاحب مہضان	صاحب منصبان
»	۶	مقاصد اارہ	مقاصد ادارہ
»	۹	و نو نیکل	وان و نیکل
»	۱۳	ندیدم	ندیدم
»	۱۹	معمور ترین	معتبر ترین
۱۰۳	۶	معاملات	معاملات
۱۱۲	۱۸	پلہا	پلہا
۱۱۴	۹	رئیس اور را	رئیس الوزراء
»	۱۲	مہم	مہم
۱۱۹	۷	شہیم	شہیم
۱۲۰	۱۱	شئید	شئیدند
۱۲۱	۱۷	نہاوند	نہ نمایند
۱۲۶	۷	امر دواب	امر دوات
۱۳۰	۱۱	ہیچگونہ	ہیچگونہ
»	۱۳	ارادہ	ارادہ
»	۱۴	زادہ	زادہ
»	۱۹	نام	نام [
۱۳۴	۶	مخترم	محترم
۱۳۵	۸	مسیو دایہ	مسیو دیا
»	۲۰	یا متخدام	یا استعمال
۱۳۹	۹	دیک	و یک
»	۱۵	حکیم الملک	حکیم الملک
۱۴۷	۲۱	و معزی الیہ	معزی الیہ

صفحه	طر	غلط	صحیح
۱۴۹	۸		وص ۱۵۰ من ۱۵ و ص ۱۵۱ من ۱۵ و ص ۲۰۲ س ۱۰ و ص ۱۵۳ س ۱۰ وص ۱۶۰ من ۲ و ص ۱۶۱ س ۱ و ص ۱۶۲ س ۳ و ص ۱۶۴ من ۹
		ژوایه	ژویه
۱۵۱	۱۰	جیونرا	جیانرا
۱۵۸	۲۰	دواتر روس	دولت روس
۱۶۷	۱۹	گزاره	کناره
۱۶۸	۱۱	عقربلیست	عقرب است
۱۶۹	۱۷	۱۰۹۹	۱۹۰۹
۱۷۱	۸	و بی درجه	ولی درجه
۱۷۳	۲۲	جوزانه	جیانانه
۱۸۶	۸	محمد ناظر	محمد نظر
۱۸۹	۱۵	مستر موریل	مستر مریل
	۲۳	مجازی باغ	مخانی باغ
۱۹۵	۲۰	شخصی	شخص
۱۹۶	۵	سپرده بود	سپرده بود که
۲۰۱	۱۰	و انکایس	انکایس
	۱۲	بند جز	بندر جز
۲۰۲	۳	الموده	نه نموده
۲۰۴	۱۹	مشروطه	مشروطه بود
۲۰۵	۲	وی خواهش	و خواهش
۲۱۰	۹		نه نقاط شمالی ایران

صحنه	سطر	عناص	صحيح
۲۱۴	۹	بقایای	بقایا
۲۱۵	۱۲	زراعات	زراعات بود
۲۱۹	۹	امضاء امیر	امضاء آن امیر
د	۲۲	با چند کاوله کشته	چند کاوله باو زده
۲۲۰	۱۱	تا هنوز هم	تا آن زمان هم
۲۲۱	۹	هر دوی آنها	هر دو آنها
۲۲۲	۲	بواسطه	و بواسطه
د	۳۰	پربشانی های جواب	پربشانی های جواب
۲۲۳	۲	استقرار مملکت	استقلال مملکت
۲۲۸	۱۲	که پاره	که تازه
۲۲۹	۷	شده بود ،	شده بود معین ، و
۲۳۲	۱۵	والانتیز	والانتیز
۲۳۵	۱۷	به آرزو	واقع شد و به آرزو
۲۳۶	۲	زبان مغرب زمین	زبان خود
د	د	و پیشها	و پیشه ها
د	۲۰	بود	نگران بود
۲۳۷	۳	می نمایند	می نمودند
د	۱۳	امیر	امیر مزبور
۲۳۸	۲۱	واقعه در طهران	واقع در طهران
۲۳۹	۱۳	آبرومندبست	آبرومندبست نوشته است
۲۴۱	۷	محروم گردید	محروم گردیدند ؛
د	۱۵	شده	شده بود
۲۴۲	۸	و تصدیق	و تصدیق همان
۲۴۴	۱۴	با رشوه	با رشوه
د	۱۷	نه نه دن	نمودن

صفحه	سطر	غلط	صحیح
د	۱۸	ملیت	ملیت ایرانیان
۲۴۶	۱۵	دوات	این دوات
۲۴۷	۷	مزه	لذت و مزه
۲۴۹	۱۷	آنجا	آذربایجان
۲۵۳	۱۶	بلوی	بلوا
۲۵۴	۱	بلوی	بلوا
۲۵۵	۲۲	صاحب منصبان	صاحب منصبان ژاندارمه
۲۵۸	۱	دیموکرات	( دیموکرات ) تمام و
			ریشه شان
۲۵۹	۱۳	اشتعال	اشتعال قتال
۲۵۹	۱۷	که	این بود که
۲۶۳	۲۲	میشوند	میشود
۲۶۵	۷	و دور گزار	و در کنار
۲۶۹	۶	می نمایند	می نمایم
د	۱۲	و بظاهر	که بظاهر
۲۷۱	۲۱	و اصلاح	و اصلاح آن
۲۷۲	۵	و شاید	که شاید
د	۱۷	نفوذیکه	و نفوذیکه
۲۷۴	۱	مشکی عنه	مشکی عنه
۲۷۵	۱۸	در در امور	در امور
۲۷۶	۲	ملا بودند	از ملاها بودند
د	۳	که انتخاب	که چون انتخاب
د	۲۱	و چنین	یا چنین
۲۸۰	۱۰	عدیه النظیری برای تحصیل	بی نظیری برای تحصیل علم
۲۸۵	۳۳	آیاتی	ایاتی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۹۶	۱۴	منتزازل	منتزازل
۳۰۴	۲۲	چنانچه	چنانکه
۳۰۶	۱۶	و در این صورت هم	در این صورت هم باید
»	۱۷	که کشته شدن	که آیا کشته شدن
۳۰۷	»	دوات خارجه	دول خارجه
۳۱۰	۶	خواند بود	خوانده بود
۳۱۱	۱	اداره دولیکه	اداره دولتیکه
»	۱۹	مل دیده نشد	ملت دیده نشد
۳۲۰	۶	حراج	هراج
۳۲۰	۲۰	نو تا کس	تو تا کس
»	۲۳	ماول	معادل
۳۲۲	۴	در عرض	عرض
۳۲۴	۱۳	ماخده	مؤاخذه
۳۲۷	۴	خزانه دار مزبور	مزبور
»	۵	اینکه	اینکه خزانه دار
۳۲۸	۶	اختیارات	اختیار
۳۲۹	۲۲	مالیات	بوصول مالیات
۳۳۹ جزو ۴۱	۱۹	خجل بود	خجل شده بود
۳۴۰ جزو ۴۱	۱۳	مالیات و عوارض در تعیین و اخذ	اختیار و این جدیده ذیل بود در تعیین و اخذ مالیات و عوارض
۳۴۱	۲۰	و محصلین	به محصلین
۳۴۴	۵	مادر طفل	مادر و طفل
۳۴۳	۲۱	را بنرخ	را به بندج هنر او تو مان بنرخ
۳۴۵	۲۳	هموطنانش مستخدم در ایران	هموطنان مستخدم در ایران

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۴۶	۹	از قاچاق سرحدات	سرحدات از قاچاق
۳۴۶	۱۱	و اعتدال انصاف	اعتدال و انصاف
د	۱۴	استانستیک	به استانستیک
د	۱۵	با هشتاد	معادل با هشتاد
د	۶۱	تومان	تومان بود
د	۲۰	ده هزار و چهار	ده هزار و چهار صد و چهار
۳۴۷	۳	صرفه	بصرف صرفه
۳۴۷	۳	مستخدم کرده	مستخدم گردانید
د	۱۰	داده شد	داده شده بود
۳۴۸	د	خطای خود	تا کنون خطای خود
۳۴۹	۸	مذک	مملکت
۳۵۰	۶	باشد	می باشد
د	۱۶	نمیداد	در نمیداد
د	۱۹	تنقید نرد	تنقید نموده
۳۵۰	۱۷	از حقیقت	چون از حقیقت
۳۵۰	د	یا بانگ	با بانگ
۳۵۶	۱۶	سر گرم	که سر گرم
د	۲۱	و آن بانگ	و آن اداره بود خواست ظاهراً باین قصد که آن صورت حساب را با دفاتر خزانه مقابله نماید، بانگ
د	۲۳	و دعاوی مطالبات	دعاوی و مطالبات
۳۵۷	۱	نشده بودند	شده بودند
د	۱۰	مطالبات	و مطالبات
د	۱۷	چند هزار	چند صد هزار

صفحه	سطر	غلط	صحیح
»	»	چند هزار	چند صد هزار
»	۲۱	اغراض	اغراض خود
۳۵۹	۱۸	تقویت	تقویت نموده
۳۶۰	۸	در کار بود دولت	در کار و دولت
»	۱۰	نمود	نموده بود
۳۶۱	۱۷	صرف نفوذی	نفوذی صرف
۳۶۱	۲۳	تناسب با جرج باشد	متناسب با خرجش باشد
۳۶۳	۱۹	مبانه که	مبانی که
۳۶۴	۱۱	دیگری که	دیگری بود که
۳۶۶	۲	شاهنشاهیش	و شاهنشاهیش
۳۶۶	۱۴	نه نمایند	نمایند
»	۱۵	خواهش تحصیل امتیازی	دیگر خواهش تحصیل
		دیگر نه نمایند	امتیازی نه نمایند
۳۶۷	۴	و این امر	و این امر فقط ناشی
»	۱۶	کسب و اتخاذ	به کسب و اتخاذ
»	۱۹	از مسیحیت	از عالم مسیحیت
۳۷۱	۱	سواد معاهده ۱۹۰۷ -	زیادی است
		انکلیس و روس	
»	۳	هشتم صفر ۱۳۳۰	هشتم صفر ۱۳۳۰ در
			چگونگی معاهده ۹۰۷
			انکلیس و روس
»	۵	ملی	ملت
۳۷۷	۱۷	تجار	زیادی است
۳۸۰	»	ازد یا قبول	از رد یا قبول
»	۷۸	آنها را بدارد	اظهار بدارد

صفحه	سطر	غایط	مصحح
۳۸۲	۵	بعقدۀ تأخیر	بمهدۀ تأخیر
۳۸۳	۶	مجلس مزبور	مجلس مزبور
۳۸۸	۲	جزء و کلاء	جزءاً و کلاً
۳۸۸	۲۲	در هیچ مکنی	در هیچ مسکنی
۳۸۹	۲	مواد	و مواد
۳۹۱	۲۱	مجلس	مجلسین
۴۰۱	۲۳	مالیت	مالیات
۴۰۴	۹	سوم و پنجم	سوم و چهارم و پنجم
۴۰۵	۳	شنبه دهم و یکشنبه یازدهم	شنبه دوازدهم و یکشنبه سیزدهم
۴۰۶	۲	متضمن	متضمن تعهدات
۲	۱۴	در مواد	زیادی است
۲	۱۸	لازم	لازم شود
۴۰۷	۱۵	یکشنبه ۱۵	سه شنبه ۱۵
۴۱۳	۱۲	از دوات متبوعۀ شما	دوات متبوعۀ شما

### ⚡ اختلاط ⚡

مخفی نماید که چون زبان باستان ما ایرانیان متسفانه علاوه بر اختلاط و امتزاجیکه از قرون عدیده با زبان عبری و ترکی یافته بواسطه مرادده با اروپائیان و ترجمه بسیاری از کتب آنان بد بختانه در این دوره بیشتر از پیشتر با لغات اجنبیه مخلوط و ممزوج گشته است بطوریکه اگر در بعضی موارد تبدیل بعضی از آن کلمات بلغات اصلیه هم ممکن باشد موجب دهشت و وحشت تربیت یافتگان ما خواهد شد، از اینرو مترجم نیز مجبور به تجاهل عارفانه گردیده این عادت بی سعادت را پیروی نموده است تا هموطنان در موقع تفهیم و تفهم از مطالعه این کتاب واصطلاحات معتاده بسهوات مطالب تازه اندوزند و بیگانگان هنگام تعلیم و تعلم بی تکلف زبان فارسی امروزه را آموزند.

قطع نظر از اینکه آمیزش زبان هرمت بلغات و کلمات اجنبیه قطعا موجب مضار کثیره و مولد جرائم مهالکه استقلال آن ملت ثابت شده اختلاط زبان ما با الفاظ مغرب زمینیان مخصوصا مورث اشکال املانی هم گردیده است چرا که اروپائیان حرکات را بشکل حروف در سلسله عبارات خود مینویسند و رعایت این نکته در رسم الخط فارسی متعسر بلکه در بعضی مواقع متعذر میباشد چنانچه در بعضی از حصص این ترجمه اختلافی در تلفظ اینگونه کلمات با آهنگهای اصلی آنها باشد جای تعجب و خورده گیری نیست چه که خود ملل مختلفه مغرب زمین نیز بسیاری از کلمات مشترکه عمومه را به آهنگهای مختلف تلفظ می نمایند تصدیق مراتب فوق و ذکر نظائر و شواهدش را باید حواله به تصدیق کسانی نمود که اقلا به دو زبان اروپائی آشنا باشند.

چنانکه ما بعضی از کلمات بسیار مشهوره را برای سهوات هنگام

تحریر ترخیم و بذکر یکی دو حرف از اول آن اکتفا میکنیم و اروپائیان نیز رعایت این اختصار را میکنند مترجم نیز بعضی دو کلمه متر و مونسور که قبل از امامی برای احترام مینویسند حرف از اکتفا نمود.

اگرچه بهنوعی ( من صنف فقد استهدف ) شاید بعضی باین جزئیات توجه نموده مترجم را هدف تیر ملامت سازند لکن از کرم عمیم معارف پژوهان امید است که این خدمت نالایق را بنظر بزرگ منشی خود دیده از تنقیدش صرف نظر فرمایند -

( کمال صدق و محبت به بین نه نقص و گناه )

( که هرگاه بی هنر افتد نظر به عیب گوید )